

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد      بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر - اسن - المان

## شراب

تو نگفتی ، بیا شراب خوریم  
فصل پیری به یادِ شاب خوریم  
وسکی و ، واین و ، ودکه خالص  
یک یکی کرده انتخاب خوریم  
فرق ، از دست و پای نشناسیم  
عرق خالص گلاب خوریم  
ساقی گلرخ ، طلا مویی  
گر دهد آتش مَذاب خوریم  
من نگفتم که تو ، به من گفتی  
ساغری از شراب طاب خوریم  
لیک ، یار و رفیق دیگری ما  
بخدا گفت ، با جناب خوریم  
گفت ! چند بار وعده کرد و شکست  
تازه بندیم و با شتاب خوریم  
در شب جشن (سال نو) بر من  
گفت ! باهم رَحیق ناب خوریم

گفتم هرگز ندارم عادت می  
 ورنه بالا تر از حساب خوریم  
 گفت! سال نو است ، توبه شکن  
 با نوازی نی و رباب خوریم  
 رقص ، رقصان میان مهرویان  
 پای کوبان ، به پیچ و تاب خوریم  
 گر بخواهی کسی خبر نشود  
 گوشه ای رفته در غیاب خوریم  
 عاقبت خواند شعر ( وعده خلاف )  
 که ترا گفته ، بی حجاب خوریم  
 گفت! بر درد دل کنم نشرش  
 کس نفهمد ، در احتجاب خوریم  
 گفتمتش! ای برادر گل من  
 از می و باد ، اجتناب خوریم  
 و بخواهی شراب روحانی  
 هر دم از ساغر وهاب خوریم  
 ناگهان ، خامه ام به جولان شد  
 گفت! بیجاست گر زکاب خوریم  
 نامه از خون دل شدی رنگین  
 حال از طعنه اش خضاب خوریم  
 تا دفاع کردم از جناب شما  
 تیغ بیداد ، بر رقاب خوریم  
 آنچه را گفت ، ساده بنوشتم  
 جام بیدار را به خواب خوریم  
 من ز ( **ودک**ه ) و ( **بار** ) بیخبرم  
 که به دامن ، ز هر قطاب خوریم  
 تو که دیوار خشکی و بی نم  
 بهر چه نم کشیده آب خوریم  
 از چه رو پر ببندی بر سر خویش

گویی شبهای ماهتاب خوریم  
لب به می ، تر نکرده ام هرگز  
غوطه در بحرِ انجذاب خوریم  
تهمتی را نبسته ام به کسی  
قَسَمِ خامِ ارتکاب خوریم  
شاعری ، مایهٔ فساد شده  
طعنۀ دار ، از طناب خوریم  
«نعمتا» حرفِ حق مزین دیگر  
کز پدر ، تیغِ ارتباب خوریم